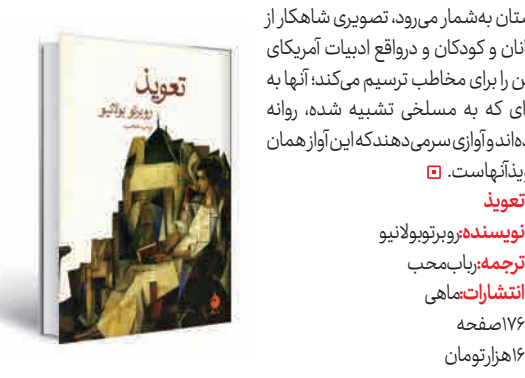


پیشخان

این بیماری من است!

[فرزانه تونی] «در همان حال که چشمانم بر ابیات آن شاعر اسپانیایی جان داده در تبعیدی دوید، پلیس‌ها هر کس را که دم دست‌شان رسید، دستگیر و تفتیش کردند و به باد کتک گرفتند، بی‌اعتنا به جنسیت و سن و سال، وضع تاهل و درجه رسمی یا اهدایی در سلسله مراتب پیچیده دانشگاه. «آنوکسیلیو لاکونو توره، شاعر اروگوئه‌ای که خود را مادر شعر مکزیک می‌خواند، در سپتامبر ۱۹۶۸ بعد از حمله پلیس ضدشورش به دانشگاه، که به کشتار تلاتلولاکو معروف است، سیزده روز خود را در دست‌شویی طبقه چهارم دانشگاه ادبیات دانشگاه مکزیک پنهان کرد تا نجات یابد. روزهایی با ترس از جان سالم به در نبردن و شب‌هایی که خیره به عبور نورما به بروی کاشی‌ها و شکاف‌های دیوار طی می‌شد. «تعویذ» روایت زندگی این زن بی‌خانمان است که بعد از مهاجرت به مکزیک، در خانه دو شاعر اسپانیایی، فلیپه و گارفیاس، خدمت می‌کند. آنوکسیلیو، این خدمت بی‌جیره و موجب رانویی از ابراز علاقه‌اش به شاعران زمان خود می‌داند. رویز تولا نیو نویسنده شیلیایی و از تأثیرگذاران ادبیات آمریکای لاتین، این داستان را درست چند سال پیش از مرگ خود، در سال‌هایی که با بیماری‌اش دست به گریبان بود، نوشته است؛ آنجا که در داستان می‌گوید: «به سال... نزدیک می‌شوم، به سال مبارکی که هرگز آن را به چشم نخواهم دید.» بولانیوی شاعر که در دوران جوانی به گروه‌های چپ‌گرا پیوسته بود و فعالیت داشت، در کودتای شیلی که در سال ۱۹۷۳ و به دست آگوستینو شوشه اتفاق افتاد، مدتی را در حبس گذراند و شاید این محبوس ماندن، پیش‌زمینه‌ای برای نوشتن «تعویذ» بوده باشد. بولانیو در ادبیات به شدت از سبک رئالیسم جادویی بیزار بود و آن را نوعی مبتذل نویسی و ادبیات آنگوشتی می‌نامید. در داستان‌های بولانیو، کاراکترها، مکان‌ها و تواریخی واحد، بارها دیده می‌شوند که برای مخاطب و دنبال‌کننده آثارش آشناست. مضمون داستان‌های بولانیو ترکیبی از سرگشتگی و آوارگی همراه با بیماری است. شخصیت‌های داستان‌های بولانیو اغلب مسافر و بی‌خانمان بوده و نمادهایی از مقاومت، تبعید و انقلاب در زندگی‌شان دیده می‌شود. علاوه بر آن یکی از ویژگی‌های داستان‌های بولانیو، نقل نام شاعران و نویسندگان است که زندگی‌شان به نحوی از انقلاب شیلی یا جنگ‌های داخلی کوبا، مکزیک و... تأثیر پذیرفته است. رباب محب، مترجم داستان در ابتدای کتاب، در یادداشتی نوشته است که بعد از ترجمه سوندی این کتاب، داستان چندسالی دست‌نخورده ماند تا اینکه این بار با نسخه اسپانیایی مطابقت داده می‌شود و به مرحله چاپ می‌رسد. صفحات انتهای داستان که بی‌شک از مهم‌ترین قسمت‌های داستان به‌شمار می‌رود، تصویری شاهرک از جوانان و کودکان و در واقع ادبیات آمریکای لاتین را برای مخاطب ترسیم می‌کند؛ آنها به درهای که به سلسلی تشبیه شده، روانه شده‌اند و آوازی سر می‌دهند که این آواز همان تعویذ آنهاست. □



تعویذ: آوازی سر می‌دهند که این آواز همان تعویذ آنهاست. □ نویسنده: رویز تولا نیو ترجمه: رباب محب انتشارات: ماهی ۱۷۶ صفحه ۱۶ هزار تومان

مؤلفه‌های رمان در داستان کوتاه

[افشین علیار] یاسمن خلیلی فرد را بیشتر به‌عنوان نویسنده و منتقد سینما می‌شناسیم. او تخصصیات آکادمیک سینمای خود را در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه هنر تهران دارد. خلیلی فرد بارمان «یادت نرود که...» وارد عرصه ادبیات شد؛ زمانی که هشت بار تجدید چاپ شد و نشان از مخاطبان فراوان داشت. خلیلی فرد در دومین تجربه‌اش، رمان «انگار خودم نیستم»، مثل اثر قبلی توانست مخاطبان زیادی پیدا کند و رمانش در میان فهرست رمان‌های پرفروش ایرانی قرار گیرد. خلیلی فرد پس از دو سال تصمیم می‌گیرد که در کنار نوشتن رمان، خود را در قالب داستان کوتاه هم محک بزند؛ مجموعه داستان «فکرهای خصوصی» در این مسیر نوشته شده. این مجموعه با ۱۱ داستان کوتاه، آذرماه سال جاری منتشر شد. او در واقع بعد از دو رمان پرفروش، با ورود به عرصه داستان کوتاه، دست به ریسک بزرگی زده بود. اما با گذر زمانی یک‌ماهه، وقتی این مجموعه داستان در بین اهالی ادبیات خوانده شد، نظرها نشان می‌داد، نویسنده در مجموعه داستانش هم‌نثروان همیشگی خود را حفظ کرده و با ایجاد موقعیت‌های مختلف، مخاطب را در چالشی تازه قرار داده است. اساساً شیوه نوشتاری یاسمن خلیلی فرد در داستان نویسی با دانش سینمایی‌اش پیوند خورده است. او با استفاده از این پیش‌زمینه، موقعیت‌های بکری را در داستان‌های کوتاهش لحاظ کرده. در نگاه اول هر کدام از این داستان‌ها فضا و جهان خود را دارند اما در بعضی از آنها ربط منطقی داستان‌های قبلی را می‌شود احساس کرد. این روش خودآگاهانه خلیلی فرد در ارتباط با شخصیت و موقعیت پردازی، به نوعی واقع‌گرایی منجر شده که هم‌زمان می‌توان مؤلفه‌های رمان نویسی را هم در آن دید. عادت به پرداختن به جزئیات هم از دیگر مؤلفه‌های رمان نویسی خلیلی فرد است که در این کتاب دیده می‌شود. او از جز به کل می‌رسد و این استراتژی را در داستان‌های کوتاهش هم اجرا کرده است؛ روشی تکنیکی که می‌توان آن را نوعی ویژگی برای نویسنده به‌شمار آورد. اینکه با توصیفات دقیق و جزئی نویسی بتوانی مخاطب را همراه کنی.

منتقد و کارشناس ادبیات کودک؛ من در کار فرمایشی و کلاس‌سازی، بهره‌ای برای کودکان نمی‌بینم. تبدیل خلایقیت به کالا، با خودش نوعی گم‌گشتگی به همراه می‌آورد. وقتی مادر به کودک می‌گوید زمانی که بچه بودی به این شکل رفتار می‌کردی یا آن اتفاق برایت افتاد و غیره، کودک گذشته همان نسخه‌ای که دیدم، متن و تصویر با هدف کلاس‌سازی یعنی اثرگذاری در بازار، هماهنگ بود؛ مثلاً تناسب رنگ‌های تند و تصاویر کارتونی

شکوه حاجی نصرالله، منتقد و کارشناس ادبیات کودک؛ من در کار فرمایشی و کلاس‌سازی، بهره‌ای برای کودکان نمی‌بینم. تبدیل خلایقیت به کالا، با خودش نوعی گم‌گشتگی به همراه می‌آورد. وقتی مادر به کودک می‌گوید زمانی که بچه بودی به این شکل رفتار می‌کردی یا آن اتفاق برایت افتاد و غیره، کودک گذشته همان نسخه‌ای که دیدم، متن و تصویر با هدف کلاس‌سازی یعنی اثرگذاری در بازار، هماهنگ بود؛ مثلاً تناسب رنگ‌های تند و تصاویر کارتونی. این ایده‌ها برای کودکان مناسب نیستند. در تمام ابزارهای جدیدی هم که استفاده می‌کنیم باید به این نکته توجه داشته باشیم که خلایقیت را از کودکان دور نگه داریم. اما باید توجه داشته باشیم که خلایقیت را از کودکان دور نگه داریم. اما باید توجه داشته باشیم که خلایقیت را از کودکان دور نگه داریم.

وقتی برای مریم محمدخانی، پژوهشگر حوزه ادبیات کودک؛ من درباره کیفیت چاپ این کتاب‌ها نظری ندارم چون نسخه آنلاین را دیدم، ولی در همان نسخه‌ای که دیدم، متن و تصویر با هدف کلاس‌سازی یعنی اثرگذاری در بازار، هماهنگ بود؛ مثلاً تناسب رنگ‌های تند و تصاویر کارتونی. این ایده‌ها برای کودکان مناسب نیستند. در تمام ابزارهای جدیدی هم که استفاده می‌کنیم باید به این نکته توجه داشته باشیم که خلایقیت را از کودکان دور نگه داریم. اما باید توجه داشته باشیم که خلایقیت را از کودکان دور نگه داریم.

فکرهای خصوصی (مجموعه داستان) نویسنده: یاسمن خلیلی فرد انتشارات: ققنوس ۱۲۷ صفحه ۱۴ هزار تومان



بررسی ایده‌های به نام «داستان من» که والدین می‌توانند از طریق فناوری‌های رایانه‌ای برای کودک خود کتاب داستان چاپ کنند

قصه‌های اتوماتیک

کتاب اتوماتیک

روی تصاویر پیش‌ساخته پدر و مادرهایی کلیک می‌کنم که مثلاً والدین کودک هستند؛ موهای کم‌پشت برای پدر و روسری گره‌خورده برای مادر؛ عکس‌هایی کارتونی که شاید کودک آنها را ببیند و ذوق کند. پانته‌آ دیداری می‌گوید: «البته عکس هم می‌توانید به کتاب اضافه کنید. ولی کل موضوع اتوماتیک است. ما یک سایتی داریم؛ در این سایت نوعی تکنولوژی تعریف شده که این تکنولوژی کمک می‌کند از بین گزینه‌های فراوان، انتخاب کنید. تمام انتخاب‌های شما هم رایگان است. فقط وقتی به مرحله چاپ می‌رسید، باید هزینه کنید. یعنی ساختن کتاب رایگان است و نیازی نیست برای ساختن کتاب‌تان در سایت ثبت نام کنید. اسم کودک و مابقی اطلاعات را می‌نویسید و بعد به منوی انتخاب می‌رسید. می‌توانید عضو نشوید.» در واقع سایت طوری طراحی شده است که دست و پای والدین یا بهتر بگوییم «مشتري» بسته نباشد. وقتی درباره سابقه این ایده از دیداری می‌پرسم، می‌گوید: «این تکنولوژی، نوعی فناوری جهانی است به اسم تکنولوژی‌های آموزشی شخصی سازی شده. در حقیقت می‌گوید یک کتاب برای همه بچه‌ها نیست و هر بچه نیاز خودش را دارد؛ یک کار دستی برای تمام بچه‌ها نیست و هر بچه کار دستی خودش را نیاز دارد؛ یعنی شخصی سازی محتوا و آنچه در حال آموزش آن است. این ترند، یک ترند جهانی است. همین شخصی سازی در قصه‌گویی هم آمده است و نمونه‌های موفق آن در دنیا وجود دارد. کاری که ما کردیم این بود که این تکنولوژی را در ایران اجرا کردیم و محتواهای فارسی مناسب فرهنگ خودمان را برای بچه‌های ایرانی توسعه دادیم. وقتی ما این کار را شروع کردیم، هنوز در ایران کسی آن را انجام نداده بود.» پانته‌آ دیداری از سال ۹۵ می‌گوید زمانی که سه سال پیش اولین بار چنین ایده‌ای را اجرا کرده است. جالب اینجاست که به گفته او تا به حال حدود یک میلیون بار این کتاب‌ها در سایت ساخته شده‌اند. به هر حال جذابیت ابتدایی کار را نمی‌توان نادیده گرفت و سوسوسه تماشای نام کودک را بین قصه‌ای که ناگهان در آن حضور می‌یابد. اما شکوه حاجی نصرالله، منتقد و کارشناس ادبیات کودک ماجرا را از زاویه‌ای دیگر رصد می‌کند: «هر نرم‌افزار یا پدیده‌ای که با تکنولوژی روز همراه باشد باید خلاقیت را در کودکان بالا ببرد. کودک اگر بتواند خودش تصاویر را انتخاب کند، خودش داستان را روایت کند و خودش قصه را پیش ببرد، می‌شود از این تکنولوژی استقبال کرد، اما اگر صرفاً نوعی تکنولوژی مواجهه باشیم که همه چیز را از قبل آماده و به شکل نوعی کالا عرضه کرده، فایده‌ای برای کودک ندارد. در کل من در کار فرمایشی و کلاس‌سازی، بهره‌ای برای فقط راهی برای پول درآوردن دیده‌ام. در کتاب من در کار فرمایشی و کلاس‌سازی، بهره‌ای برای کودکان نمی‌بینم. تبدیل خلایقیت به کالا، با خودش نوعی گم‌گشتگی به همراه می‌آورد. من می‌توانم به‌عنوان مادر کنار کودک بنشینم و برایش داستان زندگی‌اش را بگویم، چون کودکان اصولاً دوست دارند قصه زندگی خودشان را بشنوند. وقتی مادر به کودک می‌گوید زمانی که بچه بودی به این شکل رفتار می‌کردی یا آن اتفاق برایت افتاد و غیره، کودک گذشته خودش را مجسم می‌کند و شنیدن این روایت را از زبان مادرش دوست دارد. اما زمانی که می‌خواهیم یک داستان از پیش تعیین شده را به خورد کودک بدهیم، خلاقیت را از او گرفته‌ایم.» □

کتاب اتوماتیک

همه چیز از مراسم و جشن‌های تولد شروع شد؛ زمانی که قرار بود برای کودک جشنی بگیرند و عده‌ای سرخ‌های خاص و خلاقانه می‌رفتند. برای همین عکس کودکان را کم‌کم دیدیم روی یکیک، لیوان، بشقاب و انواع وسایل شخصی. این ایده به تدریج در اوراق کتاب هم مصور شد و کتاب‌هایی شخصی شکل گرفت که کودک می‌توانست تصویر خودش را در آن پیدا کند؛ یعنی به جای تماشای تصویرگری‌های مختلف، عکس خودش را روی جلد کتاب ببیند. حالا همان ایده سال‌های پیشین، بسط و گسترش یافته و به جایی رسیده است که نام سایتی را وارد می‌کنیم، علاقه‌مندی‌های کودک راگزینش می‌کنیم و در نهایت از بین چندین داستان پیش‌فرض، فرزندمان را بین این‌ها می‌بینیم. در واقع کودک می‌تواند تصور کند که در نقش کاراکتری از قصه‌ها ماجرا می‌آفریند و پیش می‌رود. اما شکوه حاجی نصرالله، پژوهشگر و منتقد در حوزه ادبیات کودک درباره چنین ایده‌ای می‌گوید: «نمی‌شود ما چیزی شبیه به یک کتاب تولید کنیم، اما اساس آن را به شکل کالا ببینیم، چرا که هویت کودک در آن مشخص نیست. من در اینکه اسم کودک را در داستانی بیاریم هم ابرداری نمی‌بینم، اما باید توجه داشته باشیم که خلایقیت را از کودک بگیریم و داستان را از هویت او خالی نکنیم. در تمام ابزارهای جدیدی هم که استفاده می‌کنیم باید این موضوع را مدنظر قرار دهیم. مثلاً یک ناشر حرفه‌ای و معتبر با مشاوره کارشناسان امر می‌تواند با استفاده از ابزارهای مختلف نظیر صوت و تصویر و امکان ضبط قصه، کودک را در فرآیند خلایقیت دخیل کند. تمام این‌ها هم می‌تواند با استفاده از ابزار روز شکل بگیرد، اما آنچه من فعلاً در این پدیده می‌بینم، نگاه تجاری و نوعی کلاس‌سازی است.» □

تکنولوژی آموزشی

قالب‌ها، همه از پیش تعیین شده است و شما فقط حق انتخاب از بین آنها را دارید. در واقع بازفرینی در کار نیست، بلکه پروژه «داستان من» بر اساس یک طراحی نرم‌افزاری طوری پیش می‌رود که از بین قالب‌های موجود در آن، بر اساس تمایلات کودکان، انتخاب می‌کنید؛ هشت داستان برای گروه‌های سنی مختلف، از نوزادان (لالایی‌ها) تا گروه‌های سنی بالاتر. پانته‌آ دیداری، ایده‌پرداز «داستان من» اما چندان به طریقی این ایده به شکل کالا نگاه نمی‌کند. او در گفت‌وگو با «شهرود» می‌گوید: «کاری که «داستان من» انجام می‌دهد این است که در وهله اول یک تکنولوژی را توسعه داده است. این تکنولوژی کمک می‌کند که هر کودکی بتواند کتابی اختصاصی چاپ کند. یعنی کاری که ما انجام داده‌ایم توسعه یک تکنولوژی است که اجازه می‌دهد محتوا، تصاویر، تصویرسازی‌ها و داستان‌های مختلف برای هر کودکی شخصی سازی و به صورت آنلاین در لحظه تولید شود. بعد اگر تمایل داشتند برای‌شان چاپ و ارسال شود.» دیداری درباره تصویرسازی سایت هم می‌گوید: «یک بانک تصویرسازی کودکان از قبل وجود دارد که ۴۰ تا ۵۰۰ تصویرسازی در آن قرار دارد. وقتی والدین می‌آیند، این منو در اختیارشان قرار می‌گیرد که انتخاب کنند؛ موهایش طلائی است، رنگ سبز را دوست دارد و...» در واقع نوعی روند تولید جملات را می‌بینید که در ظاهر با بازسازی انسانی مواجه است، اما آفات نویسنده دیگری در آن حضور ندارد. برای همین هم شاید اصولاً نتوان آن را با معیارهای ادبیات بررسی کرد. چنانکه مریم محمدخانی، کارشناس و پژوهشگر ادبیات کودک در این باره به «شهرود» می‌گوید: «فکر می‌کنم این کار را نباید اصلاً به چشم ادبیات نگاه و آن را نقد کرد، چون کاری کاملاً اقتصادی است. کتاب‌هایی که با این روش و با فرمول از قبل تعریف شده، تولید می‌شوند، کلاهایی هستند که نباید با معیارهای ادبیات کودک داوری شوند.» □